

Photo Mafimilien Bruggmann © La Spirale, Lausanne, Suisse

هنرمندان دوران نوسنگی

نوشته ژوزف کی - زربو

چرا هنر آفریقایی ماقبل تاریخ در بیابانهای خشک و جلگه‌های پهناور علفزار باوج شکوفایی خود نایل آمده است؟ باین سوال دو پاسخ میتوان داد: نخست اینکه این مناطق در گذشته چنین وضعی نداشتند و دیگر اینکه وقتی باین صورت درآمدند خود این عامل توأم با خشکی هوا آنها را به موزه‌های طبیعی بدل ساخت. مثلاً اشیاء مکتوفه در صحرا بهنگام کشف از هزاران سال پیش در همانجا و همان حالت اولیه خود قرار داشتند. و حال باید دید که چرا این شکوفایی در حاشیه دره‌هایی که از میان کوهستان‌ها عبور میکنند بوقوع پیوسته است؟ جوابی که باین سوال میتوان داد اینستکه این مناطق از لحاظ سکونت، قابلیت دفاع و تامین آب و غذای مورد

فرانسوی؛ ایتالیایی، آنگلو ساکسون و تعدادی روز افزون از دانشمندان آفریقایی متخصص در مطالعه انسانهای مربوط به زمان ماقبل تاریخ که در جنوب «اوران» و «تاسیلی ن آژیرو» واقع در الجزایر؛ جنوب مراکش؛ فزان در لیبی؛ آئیر و تنوره واقع در نیجریه؛ تیستی واقع در چاد؛ نوبه؛ نواحی کوهستانی حبشه؛ «دهار تیستی» واقع در موریتانی و «موزامبس» واقع در آنگولا به پژوهش و کشفیات پرداخته‌اند شهرت جهانی کسب نموده‌اند. گانون مهم دیگری در منطقه مخروطی شکل جنوبی آفریقا میان اقیانوس هند و اقیانوس اطلس قرار دارد که شامل لسوتو، بوتسوانا، مالاوی، نگوان، نامیبیا و غیره است. سوآلی که باید مطرح ساخت اینستکه

در این تابلوی نقاشی صخره‌ای که در «زابرن» واقع در «تاسیلی آژیرو» (الجزایر) کشف شده است تعدادی اسب و حیوانات دیگری شبیه غزال در حال جست و خیز دیده می‌شوند. در هشت صفحه بعدی یک سلسله از شاکارهایی را که در نقاط پشماری از صحرای آفریقا توسط هنرمندان آفریقایی مربوط بماقبل تاریخ روی صخره‌ها منقوش یا کنده‌کاری شده‌اند میتوان مشاهده کرد. این شاکارها از یک جامه و محیط زیست طبیعی آن در طی هزاران سال پیش از آنکه تغییرات اقلیمی آن منطقه را بیک ناحیه پهناور غیرقابل مسکونی بدل سازد تصویر جاندار و بسیار جالبی بدست می‌دهد.

هنر آفریقایی مربوط بماقبل تاریخ را بویژه میتوان در فلاتهای مرتفع و سرزمین‌های کوهستانی این قاره کشف کرد و مکانهای باستانی خاصه در سطح پرتگاههای کنار دریا که حواشی زمین‌های مرتفع را تشکیل میدهند واقع شده‌اند. صحرا و آفریقای جنوبی دو کانون عمده هنر ماقبل تاریخ بشمار می‌روند. در مناطقی که میان کوههای اطلس و جنگل‌های گرمسیری از یکسو و دریای سرخ واقیانوس اطلس از سوی دیگر قرار گرفته‌اند تاکنون صدها منطقه باستانی کشف شده‌اند که دهها و شاید هم صدها هزار بیکر و نقوش کنده‌کاری شده را دربر دارند. برخی از این مکانهای باستانی اکنون در سایه کار و کوشش دانشمندان



نیاز که از گوشت شکار تامین میشد دارای مزیت خاصی بودند.

اگر ما بخواهیم اشیاء مکشوفه هنری ماقبل تاریخ را طبق مقیاس زمانی روشن و قابل فهم طبقه بندی کنیم نخستین اقدام ما باید یک اقدام زمین شناسی و زیست بومشناسی باشد. زیرا محیط زیست برای ملل فاقد امکانات فنی آن زمان بیش از زمان کنونی الزام آور بود و نیز همین عامل بود که چهارچوب کلی زندگی را در عین حال که برای آنها مطرح میساخت بدانها تحمیل هم مینمود.

اگر چه برخی از مؤلفان عقیده دارند که آغاز هنر صخره‌ای آفریقا به دوران میان سنگی باز میگردد ولی این هنر قطعاً از دوران نوسنگی آغاز شده است. عادت بر این شده است که دوران‌های بزرگ هنر صخره‌ای را با نام یک حیوان مشخص سازند. در این صورت نام حیوان به عنوان نشانه و مصرف گونه‌شناسی بکار میرود. بنابراین چهار دوره بزرگ پی‌درپی با اسامی گوزن، گاو، اسب و شتر مشخص شده‌اند.

گوزن قدیمی آفریقا نوعی گاو میش بسیار عظیم‌الجثه بود که بنا به عقیده دیرین‌شناسان در دوره چهارم طبقات الارضی میزیسته است. شکل این حیوان از آغاز پیدایش هنر صخره‌ای یعنی از حدود هفت هزار سال پیش از میلاد تا حدود چهار هزار سال پیش از میلاد، بر روی صخره‌ها نقش می‌شده است. قیل و کرگدن نیز مشخص‌کننده این دوره هستند. و اما در مورد گاو باید گفت که تصویر این حیوان با انواع دوگانه آن - اعم از گاوهای که دارای شاخهای کوتاه و کلفت و یا شاخهای بریطی شکل بسیار بزرگ بودند - در حدود چهار هزار سال پیش از میلاد در میان تصاویر صخره‌ای بچشم می‌خورد.

اسب را گاه در حالیکه به‌ارایی بسته شده است نقاشی کرده‌اند. تصویر این حیوان در حدود یک هزار و پانصد سال پیش از میلاد در میان تصاویر صخره‌ای ظاهر شده است. در این دوره از تاریخ تصویر اسب آبی از میان تصاویر صخره‌ای کاملاً ناپدید گشته و این بی‌شک بمعنای خشک شدن آب رودخانه‌هایی است که همیشه جریان داشته‌اند. شتر عقیدار این کاروان تاریخی را تشکیل میدهد. این حیوان در حدود پانصد سال پیش از میلاد به دنبال فتوحات سناهیان ایرانی وارد مصر شد و در حدود آغاز دوره مسیحیت تصویر آن بطور فراوان بر روی صخره‌ها نقش گردید.

تاریخ نقوش کنده کاری شده بطور کلی مقدم بر تاریخ نقاشی‌هاست حتی در جاهایی هم که هر دو آنها وجود دارد. نقوش بوسیله یک سنگ نولتین و با کمک یک چکش سنگی که نمونه‌هایی از آن در مجاورت نقاشیهای صخره‌ای کشف گردیده بر روی صخره‌های سنگی نرم و نیز بر روی سنگهای خارا و سنگهای چخماق کنده شده‌اند. با همین ابزار آنک در نقوش کنده کاری شده بطرز درخشانی دقت بکار برفته است. تصویر قیل در باردایی (چاد) بایک خط ساده و نازکی ترسیم شده بگونه‌ای که میتوان آنرا طرح تقریباً ساده‌یسی دانست که نشان دهنده نکات عمده و اصلی است. برعکس تصویر همین حیوان در «این گالترین» واقع در «ماتاندوس» و نیز در «این‌ها به‌تر» و همچنین تصویری از کرگدن در «گونوا» واقع در «تیسیتی» بایک خط درشت و در عین حال جاندار و با عمق بیشتری بر روی صخره کنده کاری شده است. نیمرخ خط به‌شکل V و یا به‌شکل U و

عمق آن در حدود یک سانتیمتر است. شکافها یا بایک تیر کوچک سنگی و یا اینکه بایک قطعه چوب بسیار سخت احتمالاً با استفاده از شن مرطوب به‌عنوان یک وسیله ساینده ایجاد گردیده‌اند. انجام این کنده کاریها گاه مستلزم برخورداری از یک نیروی پهلوانی انکارناپذیری بوده است: از آنجمله میتوان در «اودجرات» کنده کاری نقش قیل را که ۴۵ متر بلندی و کرگدنی را که ۸ متر طول دارد نام برد.

برخی از سطوح داخلی که بطرز بسیار خوبی گود گردیده و صیقل داده شده برای نشان دادن سایه‌رنگ پوست و پشم حیوانات و یا اشیایی که توسط آنها حمل میگردند بکار رفته‌اند. تکنیکی که در اینجا بکار رفته پیشاپیش حجاریها و نقوش برجسته دوران سلطنت‌فراغنه در مصر خب می‌دهد. در واقع، گاه در میان نقوش نقش کنده کاری شده و گود حیوانی را روی قطعه سنگ یکپارچه‌ای که درون آن برای این منظور خالی گردیده میتوان مشاهده کرد. برای کنده کاری نقوش قطعه سنگ طبیعی بطرز بسیار متناسبی مورد استفاده قرار گرفته است. مثلاً در ترانسوال غربی روی یک قطعه سنگ یکپارچه مستطیل شکل نقش زرافه‌ای کاملاً منطبق با شکل سنگ حک گردیده است. همچنین در منطقه «کوفوتین» نقش کرگدنی روی یک قطعه سنگ کنده کاری شده که سطح زبر و قسمت برآمده زاویه‌دار آن نمونه در دست و دقیقی از پوست و پوشش بدن حیوان است.

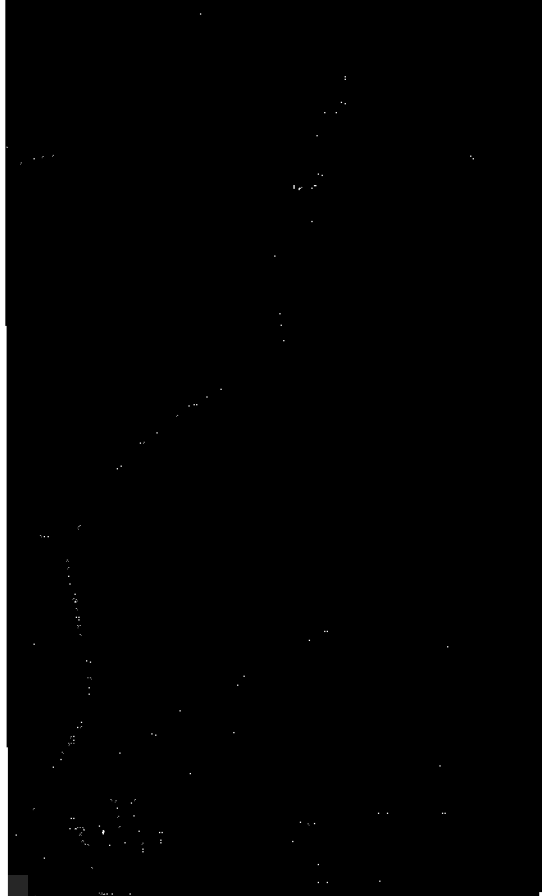
در جاهای دیگر نیز از جمله روی تپه «مارتریسفونتن» در ترانسوال غربی نقش گورخری روی یک قطعه سنگ کنده کاری شده که فک تحتانی آن به‌یکدی از پراآمدگی‌های کوچک سنگ که نموداری از شکل فک حیوان است محدود گردیده است.

اما در مورد نقاشی باید گفت که طرحهای کنده کاری شده روی برخی از سنگها این گمان را در انسان بوجود میآورند که هنر-مندان پیش از آنکه نقاشی کنند بکنده کاری نقوش میپرداختند. هنر نقاشی نیز گاه اعمال دلاورانه‌ای را ایجاد میکند. در «اودجرات» روی یکی از سقف‌های بسیار شیب‌دار مربوط به دوره اسب در سطحی بدارازی ۹ متر نقاشی بعمل آمده است. در برخی از مکانهای باستانی «تاسیلی» از آنجمله در «تیسوکامی» تصاویر نقاشی شده در ارتفاعی بیش از چهارمتر از زمین قرار دارند که دلالت بر این دارند که هنرمندان در آن زمان از نقاشی کردن در سطوح پایین‌تر که در دسترس انسان است اجتناب میورزیدند اینکار ایجاد میکند که از نردبان‌های زمخت و حتی از چوب بست استفاده بعمل آید. نقاشی‌ها بر حسب مورد یادارای یک رنگ و یا اینکه دارای چند رنگ هستند.

آثاری نیز که شکل کارگاههای نقاشی را دارند کشف گردیده است. مثلاً در «ای-ان-ایتین» سنگسب‌های کوچک هموار توام با ابزارهای کوچکی برای خرد و نرم کردن سنگ و نیز ظرفهای کوچکی برای آب کردن رنگ از زیر خاک بیرون آورده شده‌اند. تعداد رنگهای که در نقاشیها بکار رفته‌اند نسبتاً زیاد است ولی رنگ قرمز و قهوه‌ای دورنگ اساسی را تشکیل میدهند. این دورنگ از گل‌اخراي حاصل از اکسید آهن، رنگ سفید از خاک چینی یا فسله حیوانات، از شیر، بعضی گیاهان یا از اکسیدروی و رنگ سیاه از زغال، استخوان مکلس خرد و نرم شده و یا از دوده و چربی‌های سوخته بدست می‌آمده است. باین رنگها،

برخی از قدیمی‌ترین آثار هنر صخره‌ای آفریقا نشان دهنده حیوانات کرم‌سری هستند که در حفره‌های دورانی که آب و شوی این منطقه مرطوب نبود می‌زیسته‌اند. این پایان خشک در آن زمان از دریاچه‌ها، رودخانه‌های پرماهی، درختهای سرسبز و خرم، کوه‌های سرسبز و جنگلهای انبوهی که در آنها سنگ‌ترازانی وجود داشت بوسه شده بود. باستان‌شناسان تخصصی شکل این هنر را با نام «تک‌تایه حیوان» از دوران قدیمی شبه قاره آفریقای عظیم‌الجثه می‌نامیدند که نشان آن فرورفتن است از روی زمین نابود گشته است. ولی در تاسیهای به‌ناوبری لمسی دوره کوزن تصویر جانوران دیگری از قیل و کرگدن و به دو صفحه بعدی نگاه کنید. وجود دارد شاخهای این کوزن تصویر شماره ۱۸ که در «اودجرات» واقع در لیبی بر روی یک صخره کنده کاری شده ۷۲ سانتیمتر طول دارد. در میان دو شاخ کوزن تصویر یک سترخ دیده میشود. اندازه طبعی شاخهای یک کوزن در آن زمان ممکن بود تا ۳ متر برسد. در تصویر شماره ۲ تعدادی زرافه اجاوری که تنها در آفریقا بحال طبیعی یافت میشوند مشاهده میکنیم. فراوانی تعداد تصاویر کنده کاری شده این حیوان بر روی صخره‌ها این عباد را بوجود آورده که شکل آن در ایران





بوستکی بسیار زیاد بوده است. هنرمندی که این
ساختار را در اثری الاکتا واقع در تجربه ایجاد
کرده به لایه پوست شکر از این حیوان نسوج
اسفاده می بخشد و یکسایط طرحهای پیچیده بی از
منظوری بسیار رایج کرده شده بر روی سطح توانسته
است که آنها را بطرز واقع پستانه بی ساری دهد.
شکل شماره ۴ تصویر ظریف امینی را که در اثری
بلاکا بر روی سطح کده کاری شده است نشان
میدهد. گمان می رود که تارهای امینی و غیره
و بر کوهی پیچیده بی درونی از دوره کوزن بعلتی
دائیه باشند. در تصویر شماره ۵ یک کوهی
را با ساختارهای بزرگ و قوی مشاهده میکنید که
در اطراف آن اشکال نجیبی از جنس تصویر جانوری
سینه یک بویای در فانی اثر است. این تصویر
حیوان استخوانداری که دارای بویای به شکل
بی انسان است اثر است جدا وجود دارد. در تصویر
شماره ۶ یک منظره رؤسای بی دیده میشود که
در کنار واقع در اجزای کدنگ که دیده است
در دوره بی که این منظره نامی شده انسان مایل
تاریخ وایه بود که در یک ساختار بوسید
از رؤسای و جانها به تصویر خانه در سینه
زاد منظره وچه کدنگ حیوانات اعلی را بر
سینه خود قرار دادی از آنها بهره گیری کرد.

۲



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵

رنگ زرد و سبز و بنفش نیز افزوده میشود. این اجزاء و عناصر را باهاون به گرد بسیار ریزو لطفی تبدیل میکردند و آنرا مالش میدادند. و سپس با مایعی احتمالا با شیر که کازئین آن دارای خاصیت چسباندگی بسیار عالی است یا با چربی آمز شده یا اینکه با سفیده تخم مرغ؛ عسل و مین پخته استخوان مخلوط نموده، حالت درخشندگی تهرنگها که پس از گذشت هزاران سال هنوز پایدار مانده ناشی از اینجاست. رنگ کاری تصاویر بکمک انگشتان، بوسیله پرندگان، قاشقکهای گاهی و چوبی (چوب جویده شده) و یا بوسیله پشم حیوانات که با کمک وتر عضلات حیوانی روی قطعه چوب کوچک نصب میکردند انجام میگرفت و یا اینکه مایع رنگی را با دهان بصورت غبار روی تصاویر پخش میکردند. و این شیوه اخیر سبب شده که طرحهایی از دست و پنج انگشت بش آن دوره بر روی دیوارهای صخرهها ایجاد گردد بگونهایی که امروز هم میتوان آنها را مشاهده نمود: طرحهایی که نوعی امضاء اصیل و راستین را در این شاهکارها تشکیل میدهند. گاه دستکاریهایی بمنظور اصلاح در این شاهکارها بعمل آمده بی آنکه آثار خطوط قبلی از میان برود. وجود تصاویری از گاوهایی که چهار شاخ وانسانهایی که سه بازو دارند... و غیره از این امر

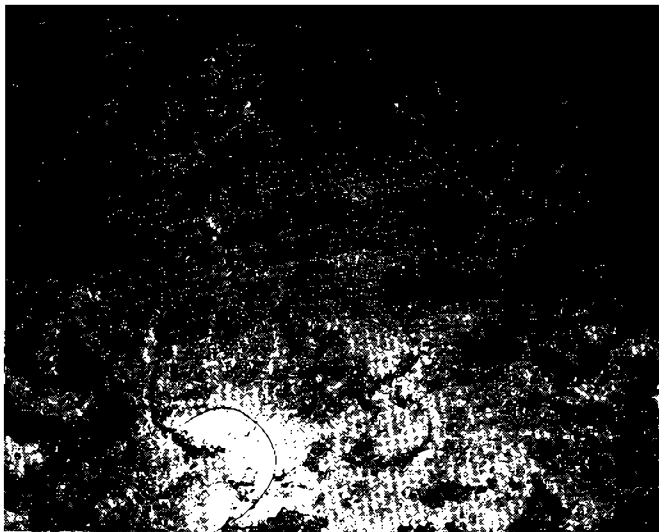
سرچشمه میگردد.

تصاویر صخره‌یی را معمولا «نقش بر روی سنگ» می‌نامند. ولی این هنر پیش از هر هنر دیگری یک زبان رمزی است، به بیان دیگر پلی است میان واقعیت و خیال. این هنر یک نماد ترسیمی است که برای درک و تعبیر آن یک کلید نیاز هست. عدم آگاهی از شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه‌یی که بوجود آورنده این هنر است در واقع بزرگترین مانع برای توجیه دقیق و درست آن بشمار می‌آید. بنابراین آنچه اهمیت دارد اینستکه پیش از طی مرحله توصیف خود زبان رمزی - یعنی مرحله تحلیل قطعی - از هر گونه توجیه و تفسیر شتاب آمیز خودداری ورزید. و بسا اتفاق می‌افتد که خود توصیف در رابطه با توجیه و تفسیر انجام گیرد. بهمین جهت توصیف نقاشیهای صخره‌یی آفریقا با فرمولها و یا افسانه‌هایی از قبیل «امای صلح»، «خانم سفید پوست»، «دندان کش»، «ژوزفین فروخته شده توسط خواهرانش» و «ساکنان مریخ» تا حدی ایجاد فقر فرهنگی مینماید، زیرا توجیه و تفسیر آن از سوی تنها پژوهشگری که به تمدن دیگری با نواها و علائم رمزی متفاوت تعلق دارد بمنزله سلب حق مالکیت سهمی از فرهنگ یک ملت از صاحب اصلی آن و منتقل ساختن این حق بیک

بیکانه است. میتوان بعنوان يك اصل کلی این نکته را مطرح نمود که هنر آفریقایی ماقبل تاریخ پیش از همه باید با مراجعه به ارزشهای بومی مورد توجیه و تفسیر قرار گیرد. راه حل يك مسئله را تنها هنگامی لازم است در جاهای دیگر جست که نتوان برای آن در محیط زمانی - مکانی و فرهنگی يك محل و یا يك منطقه و قاره پاسخی پیدا کرد.

هنر آفریقایی ماقبل تاریخ را بجهت علی میتوان چاپ مصور نخستین کتاب تاریخی آفریقا تلقی کرد؟ در درجه اول برای اینکه این هنر درباره زیربنای نخستین جوامعی که در قاره آفریقا میزیستند، از جمله درباره محیط زیست بومشناسی آنها، فیلم مستندی را تشکیل میدهد. «اچ. لپوت» در «آدرابوس» موفق به کشف استخوانهای اسب آبی گردیده که تاریخ آنها تا حدود سه هزار و صدسال پیش از میلاد است. این کشف صحت تاریخی گروه اسبان آبی را که در «آساجن او آن ملن» منقوش شده‌اند تأیید میکند. این حیوان را میتوان شاخص واقعی زیست بومشناسی بحساب آورد زیرا برای ادامه زندگی به آب رودخانه‌هایی که همیشه جریان دارند نیازمند است. فیل را نیز که روزانه مقدار فراوان گیاه نیک خورد میتوان شاخص دیگری شمرد. بنابراین میتوان گفت

«این شکل هنری مجموعه‌یی از نواها و علائمی است که زبانی را تشکیل میدهند و برای بی بردن بدان یکلیدی نیاز هست». این جمله از نوشته‌های پرفسور «ژوزف کی-زوبو» است. عکسهای این دو صفحه معماهایی را روشن میسازند که کارشناسان بهنگام تفسیر این تصاویر و بیان تاثیر متقابل سبکها و شیوه‌ها و تاثیراتی که ممکن است آنها را بهم بزنند دهند با آنها مواجه میشوند. خطوط منحنی به‌صورت در این شیخ زن (تصویر شماره ۱) که قدحی در دست خود گرفته دلالت بر شدت حرکت دارد (سفار، الجزایر). تصویر شماره ۲ شیخ رقاصان را که در مکان باستانی مربوط به ماقبل تاریخ واقع در دره تراساب (آفریقای جنوبی) کشف شده‌اند نشان میدهد. این دو تصویر (شماره ۱ و شماره ۲) قرابت احتمالی میان هنر صخره‌یی صحرا و هنر صخره‌یی آفریقای جنوبی را که خود اینهم دارای سبک تمثیلی است آشکار میسازند. با اطلاعاتی که اکنون در دست است نمیتوان گفت که آیا این دو منطقه تحت تاثیر مشترکی قرار گرفته‌اند و یا اینکه سنن هنری آنها بطور جداگانه تحول پیدا کرده‌اند. شماره ۸ تصویر «خانم سفید پوست» است که در کنار آن چهره‌هایی که با رنگ‌های زرد، بلوطی و سیاه رنگ آمیزی شده‌اند دیده میشوند. این تصویر یکی از مشهورترین نقاشیهای صخره‌یی دره «تراساب» واقع در آفریقای جنوبی است. رنگ سفید بزرگ نشان‌دهنده آرایش مربوط به مراسم مذهبی است. شکل کرکدن در شماره ۳ و ۴ سه شیوه متفاوت را در نقاشی يك حیوان واحد نشان میدهد. در تصویر شماره ۳ خطوط عمده و اصلی بدن کرکدن با يك خط درشتی ترسیم شده‌اند که با خطوط نازک طرح این حیوان در تصویر شماره ۴ (اود جرات، تاسیلی، ن. آزریر واقع در الجزایر) مابینت شدیدی دارد. تصویر شماره ۳ شکل کرکدنی را که در «اومت الحام» واقع در موریتانی نقاشی شده است نشان میدهد. این نقاشیها که در آن ماده رنگی با مهارت بسیار زیاد روی صخره زمخت چسبانده شده ظاهراً بدورانی پس از دوران کنده کاریها تعلق دارند. با وجود اختلافات موجود در شیوه نقاشی، هر تصویری نشان دهنده اطلاعات واقعی هنرمند از حیوان و دقت فراوان اوست. در این دو صفحه دو تصویر عجیب مشاهده میکنید که تاکنون هرگونه کوششی برای توضیح و تفسیر درباره آنها بی نتیجه مانده است. یکی از آنها تصویر گاو دو سر در «سفار» (تصویر شماره ۵) و دیگری (تصویر شماره ۶) که شگفت انگیزتر از آن یکی است و در «اود مائاندوس» بر روی صخره نقاشی شده تصویر گاوی است که سر ندارد ولی قسمت عقبی بدن آن دوتا است.



Photos Maximilien Bruggmann © La Spirale, Lausanne, Suisse

که صجرا در دوران نقاشیهای ماقبل تاریخ منطقه بسیار پهناور پوشیده از گیاهان گوناگونی بوده که آثاری چند از آنها تاکنون باقی مانده‌اند. این زیست بومشناسی اندک‌اندک جای خود را بمحیط زیستی معین و مشخصی در سودان و ساحل داده است. در دوره اسب و ارابه به تصاویری چند از درختان - منلادخت خرما - برمیخوریم که بی‌شک نشان دهنده وجود آبادی در بیابانهاست.

در آفریقای جنوبی، سبک شمالی معروف بسبک رودزایی سرشار از تصاویر درختانی است که برخی از آنها را میتوان شناخت. در کنار کلبه‌های مناطقی که امروزه بیابان‌های بی‌آب و علف را تشکیل میدهند نقوش کنده-کاری شده انبوهی از جانوران گوناگون بومی، اعم از ماهی‌ها، جانوران وحشی پرمو و عظیم‌الجثه مانند گوزن آفریقای یا شاخهای وسیع بقطر سه‌متره جانورانی از خانواده گربه از قبیل یوزلینگ و نوعی جانور شبیه کفتار و نیز انواع میمونها، شترمرغ، جغد و غیره، همچون یک باغ وحش سنگی بچشم میخورد. همهجا صحنه‌های شکار وجود دارد که یادآور زور-آزمایی بزرگ انسانها و جانوران در دوران‌های اولیه هستند.

این فراوانی صحنه‌های شکار، از رودخانه

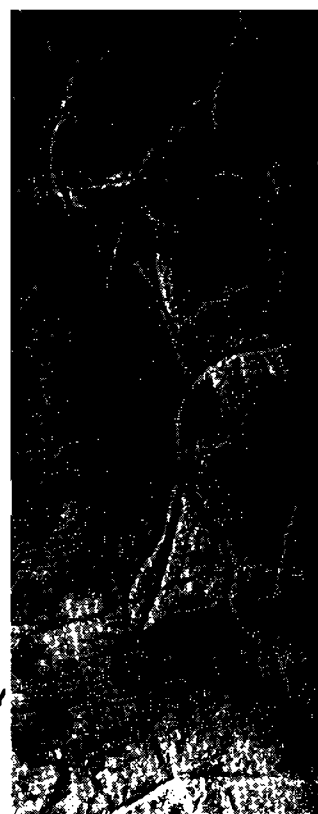
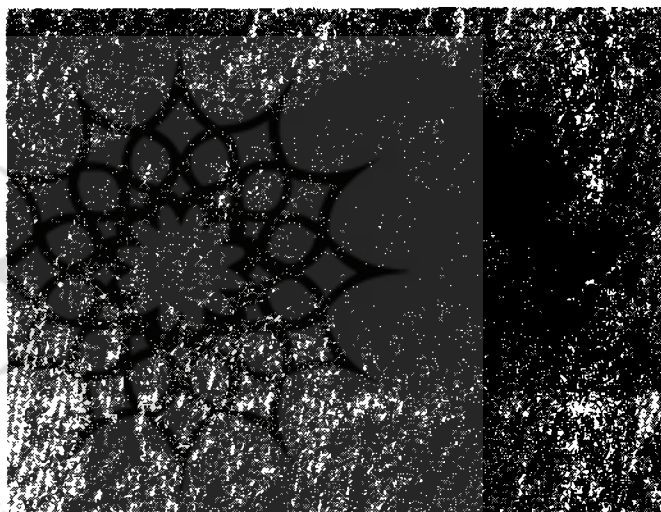
نیل گرفته تا اقیانوس اطلس، وجود يك تمدن واقعی مربوط بشکار چیان را بطور بارز برای ما نمایان میسازد. و همانگونه که صحنه بزرگ شکار در «مرتوتک علیا» نشان میدهد حتی جانوران غول‌پیکری مانند فیل نیز از چنگ شکارچیان در امان نبوده‌اند. در یک الگوی فرهنگی بسیار اصیل که طبق افسانه «سونجاتا» (به مقاله صفحه ۶۵ مراجعه کنید) مدت ده‌ها هزار سال- تا زمان‌های بسیار پیشرفته‌تر در دوره تاریخی- تقریباً سراسر آفریقا را دربر گرفته بود، دامها تقریباً در همهجا توأم با نمادهای شکارچیان هستند.

این تصاویر همچنین تحولی را که در رابطه انسان با حیوانات - از مرحله بداهت انداختن یا باسارت در آوردن حیوانات گرفته تا مرحله رام کردن و اهلی نمودن آنها - بتدریج صورت گرفته است بنا نشان میدهند. در میان آنها تصویر مردی مجهز به کمان بچشم میخورد که حیوانی را که طنابی بگردنش بسته شده است همراه خود میکشد و حال آنکه در «تسوکایی» صحنه‌یی از شکار قوچ کوهی بکک تازی دیده میشود بشک شکاری «اسلوگی» که یکی از تصاویر طبیعی آنرا با دظریف و پشمالویش در سفار» میتوان مشاهده نمود طی قرون متمادی همیشه رفیق ساکنان

بیابانهای بی‌آب و علف آفریقا بوده است. در میان تصاویر، نقش گوسفند و بز و حتی همانگونه که در «تین تازاریفت» مشاهده میشود تصویر قایق نیز وجود دارد که بقایق‌های دریاچه‌ها و رودخانه‌های چاد و نوبی که از گیاه یا پیروس ساخته شده‌اند شبیه است.

نقاشیهای «ای - ان - ای - ن» افرادی را نشان میدهند که بستوی زمین خم شده و با ابزارهایی خمیده بشکل آرنج کار میکنند. این ابزارها به داس‌هایی شباهت دارند که در نقوش برجسته دوران فراغت در مصر روی صحنه‌های مربوط به برداشت محصول مشاهده میشوند. در «باتل‌کیو» تصویر تعدادی از دختران جوان «سان» را میتوان دید که چوبی را که برای کندن زمین بکار میرود بردوش خود نهاده و عازم جمع‌آوری محصولات غذایی هستند. فراوانی اشیاء هنری منقوش بر روی صخره‌ها و یا تاناه و لوازم خانگی کشف شده در مناطق وسیعی از آفریقا که اکنون بصورت کویر درآمدہ‌اند تصویر جالبی از تراکم جمعیت در این نقاط را بدست میدهد. کثرت فوق‌العاده آنها انبوه محصولات کشورهای نیمه صنعتی را برای انسان تداعی میکنند.

هنر ماقبل تاریخ در آفریقا راجع به پوشاک مردم آنزمان نیز مطالب بسیاری را برای





ما بیان مینمایند. در آن زمان مردان بیش از زنان خود را می‌آراستند و این رسم تا دوره گاو ادامه داشت ولی در این دوره دگرگونی حاصل کرد.

خانه‌ها بشکل بسیار ساده و بصورت نیمکره‌هایی ترسیم شده‌اند که نشان دهنده کلبه‌های کوچکی هستند که در درون آنها اثاث خانگی و نیز صحنه‌های خانوادگی بچشم می‌خورند. زنان چاق و چله با کودکانشان جلوی آنها نشسته‌اند، گوساله‌ها بطنابی بسته شده‌اند و مردان سرگرم دوشیدن گاوها هستند.

روی نقاشی دیواری یکی از پناهگاههای «ایبرن» که والاترین نمونه نقاشی دوران ماقبل تاریخ بصواب می‌آید ردیفی از گاوان را با تجهیزات و زین پوش بسیار عالی که از دو طرف بدن آنها مشکهای آب آویزان گردیده و زنای آراسته بزینت آلات فراوان بر پشت آنها سوارند میتوان مشاهده کرد که پشت سرهم در حال راه رفتن هستند. چندانایی از حیوانات از گودالی آب می‌خورند و گله عظیمی با جلال و شکوه در حال حرکت است. زنای آراسته بزینت آلات لایقانه در جلوی خانه‌های خود قرار گرفته‌اند و عده‌یی از مردان که سرها-یشان با پرزمین گردیده مقابل زنان ایستاده‌اند تا ظاهراً نسبت بدانها مراسم احترام بجای آورند.

معنای تصویر گاوهای دوس یا گاوهایی که دارای جسم مضاعف نسرواده و یک سر هستند و در «اودجرات» مینویس آنها را مشاهده کرد و نیز معنای خطوط منحنی حلزونی با شکوهی که توأم با تصویر بسیاری از حیوانات از آنجمله گوزن عظیم‌الجثه در «اودجرات» کنده کاری شده‌اند هنوز برای ما معلوم نیست. برخی معتقدند که خط منحنی حلزونی نمادی از تداوم زندگی است. و اما در مورد بدنهایی که میان چهره‌ها مشاهده میشود - از جمله بندی که از نقطه تقاطع رانهای یک زن شروع شده و بناف یک شکارچی گماندار منتهی میگردد- باید گفت که ظاهراً این بند بمعنای جریان جادوگرانه‌یی است که از مادری که دستپایش را بلند کرده و در حال نیایش ایستاده است آغاز گشته و بسوی پسرش که در وضع خطرناکی قرار دارد ادامه می‌یابد. همچنین در آفریقای جنوبی (بوتسوانا) تصویر حیوانی که قادر بباراندن باران است دیده میشود که سرش بطنابی بسته شده و گروهی از مردم گوش بزنگ، انتهای دیگر طناب را بدست گرفته و آنرا با خود در سراسر کشور میگردانند. طرحهای خورشیدی نیز جزیی از همین زمینه مذهبی را تشکیل میدهند.

ولی برخی از تصاویر هنوز مبهم باقی مانده‌اند و تنها با مراجعه بارزش‌های فرهنگی و مذهبی خاص آفریقا میتوان برمز آنها پی برد. و این چیزی است که در مورد صحنه‌یی در «تین تازاریفت» که قبلاً «گاوهای نقاشی شده برطبق سنن قراردادی» نامیده میشد مصداق پیدا کرده است در این صحنه چون بنظر میرسد که گاوها پاهای قطع شده و بسیار کوتاهی دارند از اینرو چنین پنداشته می‌شد که روی زمین چیماته زده‌اند ولی «احمدها مباتدبا» که رمز این صحنه را میدانست اظهار داشت که گاوها پداخل آب هدایت شده‌اند و این جزیی از مراسمی است که بخاطر تجلیل از منشاء آبی گاوان برپا میگردد.

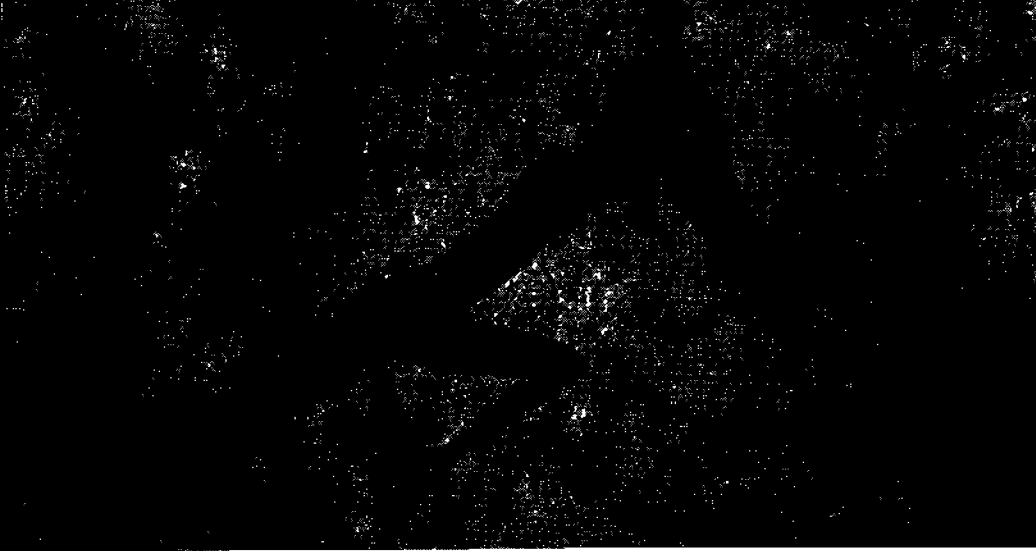
گرایش برای توجه همه خصوصیات فرهنگی آفریقا براساس فرضیه تأثیر خارجی باید رد گردد و این البته بدان معنی نیست که

روابط باید مورد انکار قرار گیرد بلکه لازم است حدود این روابط را با احتیاط معین و مشخص نمود. هنر صخره‌یی فرانسه - کانتابر که قدمت آن تقریباً به چهل هزار سال پیش باز میگردد مربوط بدوران پارینه سنگی است و بنابراین مقدم برهنر ماقبل تاریخ آفریقا است. در عوض دوران نوسنگی صحرای آفریقا مقدم بردوران نوسنگی اروپاست. بنابراین هم‌اکنون نسبت باین عقیده که الهام هنرمندان قاره آفریقا از شمال سرچشمه گرفته گرایش شدیدی وجود دارد و حتی از یک هنر اروپایی - آفریقایی که اکنون آن اروپا باشد غالباً سخن بعبان می‌آید. ولی این سخن هرگز واقعیت ندارد. صرف نظر از اینکه سمت کم مدت پانزده هزار سال این دونهضت هنری را ازهم جدا میسازد این نکته اکنون مورد قبول قرار گرفته است که اسپانیای شرقی که باید حلقه اتصال یک تأثیر احتمالی شمرده شود یا هنر اصلی اوران جنوبی تا سیلی و قران هیچگونه ارتباطی ندارد. منشأ شکوفایی واقعی هنر ماقبل تاریخ کوههای اطلس و کانتون عمده واصلی آن سرزمین آفریقا است.

سوال دیگری هم مطرح است و آن اینکه آیا این هنر از سمت شرق یعنی از دره نیل بدرون آفریقا نفوذ نکرده است؟ در جواب این سوال باید گفت که آنچه اکنون مسلم گردیده اینستکه پیشرفت هنری در قسمتی از دره نیل که در کشور مصر واقع شده نسبت به پیشرفت هنری صحرا و سودان در زمانهای بسیاری دیرتری بوقوع پیوسته است. تصاویری از گاو که در صحرای آفریقا کنده کاری شده و در میان دوشاخ آنها صحنه‌های مدوری وجود دارد نسبت بمجموعه‌هایی که از گاو «هاتور» (رب النوع مصری) در مصر ساخته شده و نیز تصویر قوچ یا شکوه «بوعالم» توأم با یک شبه کره نسبت بقوچ «اسون» متعلق بزمان سلطنت هجدهمین خاندان فراغه در مصر بسیار قدیمی‌ترند. قایقهای بسیار عالی و باشکوه از نوع قایقهای مصری که در صحرای آفریقا (در تین تازاریفت) منقوش شده‌اند بی‌شک از نوع قایقهای صحرا هستند.

مسئله مصر تأثیر زیادی در سرزمینهای درونی آفریقا داشته اما دامنه آن محدود بوده است. ولی آنچه آشکارتر از همه است مقدم بودن تمدن مربوط بدوران ماقبل تاریخ صحرا است. این هم یک واقعیتی است که در آنزمان جز بعد مسافتی هیچگونه مانع دیگری ملل

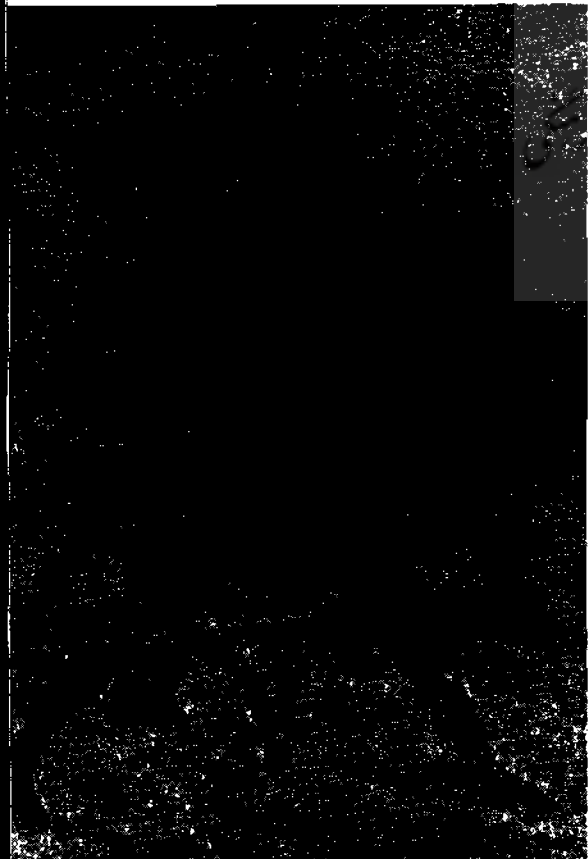
هنرمندان صحرای آفریقا در دوران نوسنگی توانسته‌اند با بکاربردن شیوه‌های ماهرانه و بهره‌گیری از ساختمان ناهموار و زمخت صخره بسود خود در تصویر اشکال انسانی هم از لحاظ دقت و ظرافت و هم از نظر گویایی به نتایج بسیار خوبی دست یابند. تصویر شماره ۱ چهره مردی را که ریش قشنگ و ظریفی دارد نشان میدهد. این نقاشی صخره‌یی موسوم به «حشی زاباره» که در «تاسیلی» واقع در الجزایر کشف گردیده مانند بسیاری از نقاشیهای صخره‌یی دیگر در اثر مقاومت ودوام مواد رنگی که در آن بکار برده شده تا زگی خود را در طی قرون متعادی بطرز شگفت انگیزی حفظ کرده است. تصاویر شماره ۴ و ۵ و ۶ حرکات آمیخته بظرافت و پرتحرک یک دونه و دو تیرانداز را نشان میدهد، که در «تافیلات»، «زابارن» و «سفار» واقع در الجزایر بر روی صخره ثبت شده‌اند. اختراع تیر و گمان برشک در شرایط زندگی مردم صحرا در دوران نوسنگی تحولی ایجاد کرده بود. نقش زن در حال دو که تصویر آن (شماره ۴) برای نخستین بار در اینجا چاپ شده در یکی از مناطق باستانی پر از هنر صخره‌یی ماقبل تاریخ که در سالهای اخیر توسط اچ. جی. هوگو قوم‌شناس فرانسوی و ماکسیمیلیان بروگمن عکاس سوئیس در صحرای آفریقا کشف شده است قرار دارد. در تصویر شماره ۳ شکل گاوی را مشاهده میکنید که یک شاخ دارد. هنرمندان آنزمان شاخ‌های گاو را با دقت خاصی ترسیم میکردند و در نقاشی این حیوان از یک شیوه قراردادی استفاده مینمودند که طبق آن سر گاو از نیمرخ و شاخ‌های آن از روبروشان داده میشد. در برخی از مناطق باستانی مربوط بدوران ماقبل تاریخ در صحرای آفریقا مجسمه‌های سنگی کوچکی از خرگوش، قوچ، حیوانات دیگر از زیر خاک بیرون آورده شده‌اند. تصویر شماره ۴ مجسمه بسیار کوچکی را که از سنگ خاری صیقلی شده ساخته شده و در «اود آزار» واقع در الجزایر کشف گردیده است نشان میدهد که گمان میرود مجسمه یکی از حیوانات نشخوارکننده باشد که در حالت خوابیده قرار گرفته است.



۴

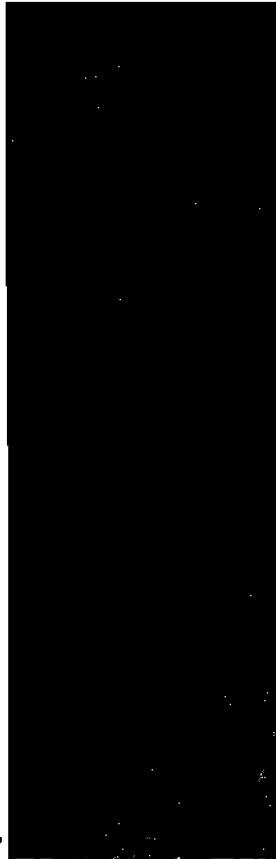


۵



۳

Photo J. Oster © Musée de l'Homme, Paris



Photos Maximilien Bruggmann © La Spirale, Lausanne, Suisse ۲

سمت چپ

در صفحه سمت چپ تصویر مرد کمانداری را که گویی همچون يك شبح از صخره بی بیرون آمده است مشاهده میکنید. این تصویر نقاشی شده با گل‌آغزای قرمز رنگ و متعلق بدوران ماقبل تاریخ در «تین‌نازاریف» واقع در منطقه «تاسیلی ن، آزیر» (صحرای مرکزی) قرار دارد. رشته کوه‌های بلند لغت واقع در جنوب الجزایر یکی از مراکز عمده هنر صخره‌یسی آفریقا و جهان بشمار می‌آید. وجود شکارچیان بشمار در صحرا در دوران نوسنگی (در حدود ۵۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد) نشان دهنده این واقعیت است که این منطقه پهنای برخلاف امروز که يك دشت بی‌آب و علف و غیرقابل سکونت است در آن زمان منطقه حاصلخیزی بوده با آب و هوای مدیترانه‌ای که جانوران و گیاهان بومی فراوان و گوناگون در آن میزیسته‌اند. این شکارچی متعلق بدوره گسار احتمالاً در صدد شکار اسبان آبی است که در آن زمان در دریاچه‌ها و رودخانه‌های صحرا بعد وفور یافت می‌شده‌اند. يك جفت شاخک عجیب که بر سر شکارچی دیده میشود ممکن است پر و یا وسیله دیگری باشد که با آن سر را تزیین میکرده‌اند.

Photo Maximilien Bruggmann © La Spirale, Lausanne, Suisse

Photo Maximilien Bruggmann © La Spirale, Lausanne, Suisse

انری از دو دست (تصویر بالا) را که نشانه‌ی از سلام و درود انسان‌های ماقبل تاریخ برای انسانهای امروزی است هنوز نیز میتوان در «ژابرن» واقع در صحرای الجزایر بر روی يك صخره سنگی بطور آشکار مشاهده نمود. اثر انگشت که بر شکم در آن دوره از يك مفهوم جاودی برخوردار بود با قرار دادن دو دست بر روی يك صخره سنگی و با پختن ماده سفید رنگی بصورت غبار با دهان بر روی آنها ایجاد میگشت.

رفت و آمد اجنه وارواح شهرت دارد شاید از آنرو که در آنجا در مقابل توده‌ی از سنگهای ندری، تصویر وحشت‌انگیز جانوری نیمه روباه و نیمه جغد با اندام تناسلی بسیار بزرگ یافت میشود.

اکنون میان آفریقاییان و این هنر فاصله‌ی که تنها متخصصان و کارشناسان کشورهای ثروتمند قادر به عبور از آن هستند ایجاد گشته است و این هنر درخور آنست که دست کم از طریق برنامه‌های آموزشگاهی از نو در زندگی مردم آفریقا معمول گردد.

این هنر چون میراث بسیار گرانبهایی بشمار می‌آید باید در برابر هرگونه گزندگی که روزانه آنرا مورد تهدید قرار میدهد هشیارانه مورد حمایت قرار گیرد. دولت الجزایر در سال ۱۹۷۴ تمامی مناطقی را که دربرگیرنده نقاشیها و تصاویر کنده کاری شده دوران ماقبل تاریخ هستند بمنوان پارک ملی اعلام کرد. لازمست يك آمار کلی از آثار این هنر تنظیم کرد تا تحلیل تطبیقی نخستین کتاب تاریخ این قاره امکان‌پذیر گردد.

از آنجا که هنر ماقبل تاریخ بر تمام جنبه‌های زندگی انسان‌های اولیه آفریقا - از محیط زیست طبیعی گرفته تا عالیترین احساسات آنها - گواهی میدهد واز آنجا که تصویر علامتی است که گاه از نیروی گویایی برابر یاخط برخوردار است از اینرو هنر صخره‌یسی آفریقا را قطعاً میتوان نخستین کتاب تاریخ این قاره شمرد. ولی گواهی این هنر مسلماً مبهم و آمیخته به‌معنا است و نیازمند آنستکه با منابع اطلاعاتی دیگری از قبیل دیرین‌شناسی، اقلیم‌شناسی، باستان‌شناسی، روایات شفاهی و غیره موردتایید قرار گیرد.

ژوزف کی - ژوبو

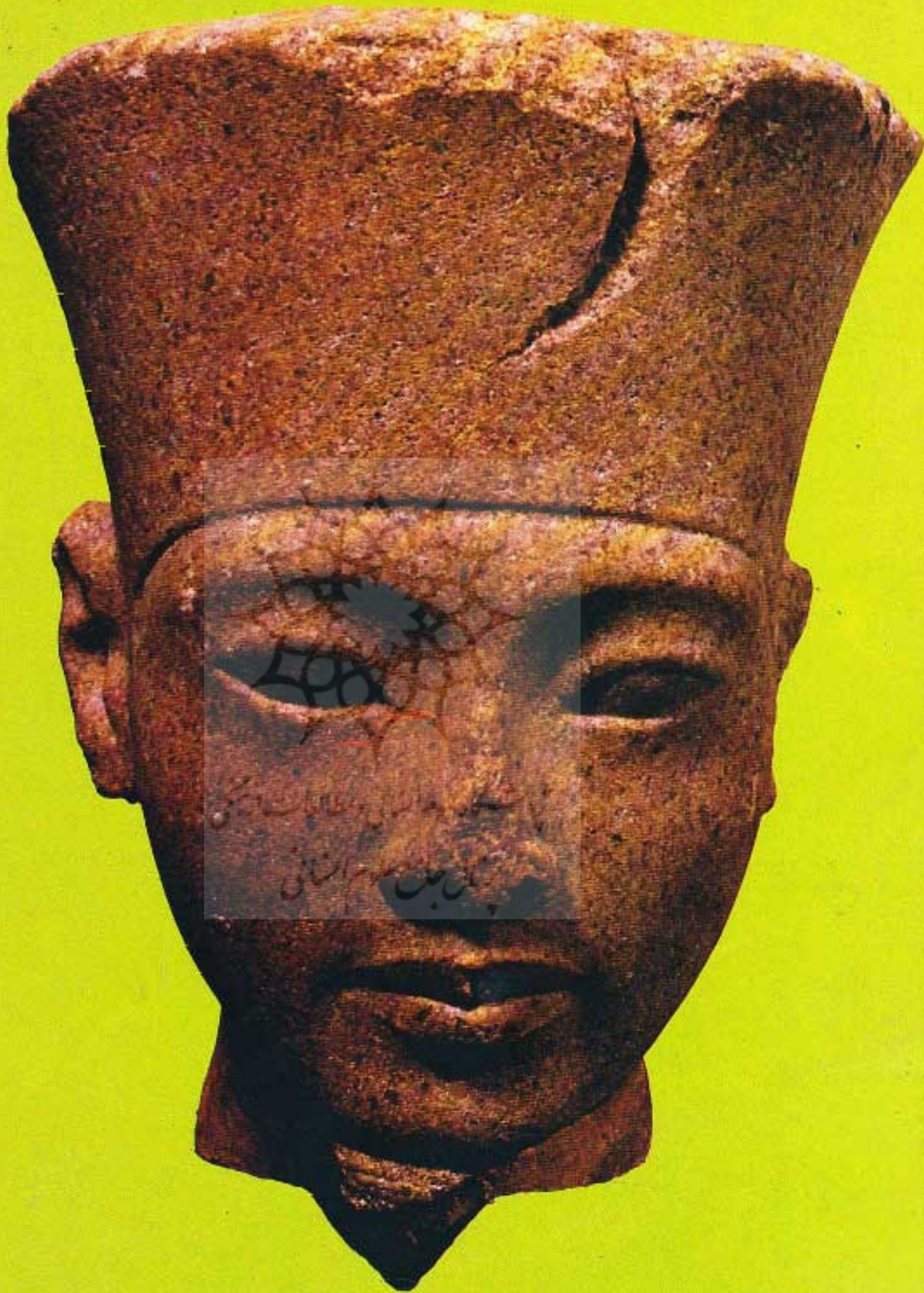
از تابلوهای صخره‌ی صحرا نیز سخن بمان آمده است. بهرحال، این استدلالات مبرتر از همه گرایش دارند باینکه میان مفاهیم متفاوتی مانند نژاد، قوم، نوع زندگی و تمدن توازن برقرار سازند. همیشه از سیاهپوستان، سفیدپوستان، قوم «پول»، آفریقایی، کابین و سودانی سخن گفته میشود بی‌آنکه تعریف هیچیک از این کلمات - البته بدلائل روشنی - مشخص گردد.

همه دخانم‌های سفیدپوست تابلوهای صخره‌ی آفریقا از جمله «خانم سفیدپوست» آفریقایی جنوبی که تنها چهره‌اش سفید است و نقاشیهای دیواری «کنوسوس» و «عبور ستون» هایی از مکتشفان را از خلیج فارس و ورود آنها را بقاره آفریقا در خاطره کشیش «بروی» زنده میسازد بی‌شک نشان‌دهنده مردان روحانی، شکارچیان و دختران جوان آفریقایی است که از مجالس مربوط به تشریفات آشناسازی بیرون می‌آیند. همانگونه که اکنون نیز آنها را که با خاک چینی سفیدرنگ آمیزی شده‌اند میتوان مشاهده کرد. زیرا این رنگ نمادی از مرگ يك شخصیت قبلی است برای اینکه به پایگاه جدیدی دست یابد.

هنر ماقبل تاریخ آفریقا هنوز نمرده این هنر در قلمرو زیبایی‌شناسی - بمعنای واقعی کلمه منبع الهام برای هنر جدید آفریقا بشمار می‌آید. اکنون نیز رنگ‌های خاص این هنر را در میان سلسله رنگ‌هایی که برای آرایش صورتک‌ها و تزیین رفاصان بکار می‌رود میتوان باز یافت. این هنر، اگر چه در اسامی تغییرناپذیر محل‌ها، هنوز هم زنده است. مثلاً در یی در «اودجرات» وجود دارد که «تین تبه» یا «محل ماده الاغ» نامیده میشود. زیرا تصویر کنده کاری شده زیبایی از ماده الاغ در آنجا وجود دارد. «ایسوکایی - ان - آفلا» بمحل

«هوگاره»، «تاسیلی» و «فران» را از دره نیل که قرون نمادی - یعنی تازمانی که صحرا به بیابان بی‌آب و علفی مبدل گشت - يك منطقه با تلافی نفرت‌انگیزی را تشکیل میداد جدا نمی‌نمود. و تنها از دوره «تاریخی» است که تمدن مصر بعالیترین درجه شکوه و شکوفایی نایل آمده بگونه‌ی که سبب گردیده تا اکنون همه چیز بدان نسبت داده شود. ولی در زمینه هنر و تکنیک کانونهای اولیه در صحرا، سودان، خرطوم، آفریقای شرقی و خاور نزدیک قرار داشتند. وانگهی، تمدن مربوط بدوران ماقبل تاریخ صحرا بیشتر بکانونهای واقع در جنوب شرقی آفریقا مبدون است تا به‌خاور نزدیک. عده‌ی از دانشمندان معتقدند که هنر صخره‌ی مربوط بدوره گوزن باید باقوام «مدیترانه‌ی» که برخی آنها را سفید پوست و برخی دیگر از نژاد مختلط میدانند - ولسی هنوز بخوبی مشخص نشده‌اند - نسبت داده شود. دوره موسوم به «سرهای گرد» سیاهپوستانی نسبت داده میشود که بعقیده برخی از دانشمندان درآثر آمیزش باقوام خاور نزدیک به نژاد مختلطی مبدل گشته و اقوام باستانی مربوط بدوره نوسنگی را در سودان تشکیل داده‌اند. هنر صخره‌ی مربوط بدوره گار از آثار نیاکان قبیله بول محسوب میشود. وبالاخره تأثیر سنن موسوم به سنن گینه‌یی از مناطق جنوبی‌تر را در نقاط بسیار دور و حتی در بناهایی که روی یرتگاه‌ها و زمین‌های مرتفع ساحل «تی‌شیت» در موریتانی ساخته شده‌اند میتوان مشاهده نمود. ولی باید اذعان کرد که تمامی این استدلالات برپایه بسیار سستی استوارند و بالاتر از همه اینکه بر نظریه مربوط بحرکت موج اقوام خارجی بقاره آفریقا قوت بیشتری می‌بخشند. در این زمینه کار بمرحله‌ی رسیده که از تأثیر آشکار هنر آفریقایی» در یکی





سازمان اسرار و اطلاعات سپاه
پانزدهم مرداد ۱۳۵۷





پرو مشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

